



املا و واژه‌آموزی

1 برای هر یک از شکل‌های صدای «س» دو کلمه از متن درس پیدا کنید و بنویسید.

مثال	فاصله	استفاده
ثانیه	صفحه‌ای	عکس‌ها

2 از روی بند پنجم درس با خط خوانا و زیبا بنویسید و زیر کلمه‌هایی که برای اولین بار با آن روبه‌رو شده‌اید، خط بکشید.

بنفشه با انگشت خود، روی تخته‌ی هوشمند، پیامی را برای خوشامدگویی به مهتاب نوشت.

بنفشه به مهتاب گفت: «روی تخته‌ی هوشمند، می‌توانی هر چیزی را به هر رنگی که دوست داری، نقاشی کنی. با پرگار هوشمند، می‌توانی دایره رسم کنی یا با نقاله‌ی هوشمند، زاویه‌ها را اندازه‌گیری کنی؛ درست مثل پرگار و نقاله و خط‌کش واقعی.»

با اضافه کردن اجزای زیر به کلمه‌های مناسب، کلمه‌های جدید بسازید.

دونده	گل‌زار	 <p>زنده    زار</p> <p>دو    شوره</p> <p>شالی    یاب    جوی</p>
جوینده	شوره‌زار	
شالی‌زار	یابنده	

املا

ابتدا حرف دوم هر کلمه را مشخص کنید؛ سپس با کنار هم قرار دادن آنها کلمه‌ای بسازید.

کارت اعتباری

عکس - فاصله - قرار - حتی - حاضر - بعد -  
کتابخانه - شبیه - تازه - براق - حیاط

هوشمند

مہتاب - دوست - مشغول - نس -  
صندوق - صدای معلم

الف) پنج جمله از متن درس را که به نظر شما ارزش املائی دارند، انتخاب کنید.

ب) در گروه‌های دو نفره قرار بگیرید.

پ) از جمله‌های انتخابی خود به هم گروهی‌تان املا بگویید.

جلوی در کلاس، روی دیوار، صفحه‌ای رنگی، شبیه به گوشی‌های

همراه لمسی بود که بچه‌ها دستشان را روی آن قرار می‌دادند و بعد

وارد کلاس می‌شدند. باید کف دستت را روی آن بگذاری تا معلوم

شود امروز در کلاس حاضری. اگر دانش‌آموزی به مدرسه نیامده

باشد، این صفحه‌ی کوچک به پدر و مادرش پیامک می‌دهد. فناوری

و پیشرفت‌های علمی، هر بیننده و شنونده‌ای را شگفت زده می‌کند.





۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

تا به آن کار افتخار کنم	کودکی گفت من چه کار کنم
تا به آن کار افتخار کنم	کودکی گفت من چه کار کنم
<b>تا به آن کار افتخار کنم</b>	<b>کودکی گفت من چه کار کنم</b>

تا شب محنت تو گردد روز	گفتش علم و معرفت آموز
تا شب محنت تو گردد روز	گفتش علم و معرفت آموز
<b>تا شب محنت تو گردد روز</b>	<b>گفتش علم و معرفت آموز</b>

۲ هر دسته از کلمه‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب کنید.

<table border="1"> <tr><td>برگ</td><td>برگ</td></tr> <tr><td>شاخه</td><td>درخت</td></tr> <tr><td>درخت</td><td>شاخه</td></tr> </table>	برگ	برگ	شاخه	درخت	درخت	شاخه	<table border="1"> <tr><td>کلاس</td><td>مدرسه</td></tr> <tr><td>خیابان</td><td>خیابان</td></tr> <tr><td>مدرسه</td><td>کلاس</td></tr> </table>	کلاس	مدرسه	خیابان	خیابان	مدرسه	کلاس
برگ	برگ												
شاخه	درخت												
درخت	شاخه												
کلاس	مدرسه												
خیابان	خیابان												
مدرسه	کلاس												
<table border="1"> <tr><td>ثانیه</td><td>ثانیه</td></tr> <tr><td>دقیقه</td><td>ساعت</td></tr> <tr><td>ساعت</td><td>دقیقه</td></tr> </table>	ثانیه	ثانیه	دقیقه	ساعت	ساعت	دقیقه	<table border="1"> <tr><td>کوچه</td><td>شهر</td></tr> <tr><td>خیابان</td><td>خیابان</td></tr> <tr><td>شهر</td><td>کوچه</td></tr> </table>	کوچه	شهر	خیابان	خیابان	شهر	کوچه
ثانیه	ثانیه												
دقیقه	ساعت												
ساعت	دقیقه												
کوچه	شهر												
خیابان	خیابان												
شهر	کوچه												



با توجه به متن درس «مدرسه‌ی هوشمند»، ترتیب رویدادهای زیر را شماره‌گذاری کنید.

۵ آن روز بچه‌ها به کمک نرم‌افزار آموزشی، تمرین‌های درس را انجام دادند. آنها از کتابخانه و آزمایشگاه مجازی هم استفاده کردند.

۲ وقتی وارد حیاط مدرسه شد، صدای شادی بچه‌ها او را به یاد دوستانش انداخت.

۴ رایانه‌ای روی میز معلم بود و چیزی هم از سقف به تخته‌ی سفید جلوی کلاس نور می‌تاباند.

۳ جلوی در کلاس، روی دیوار صفحه‌ای رنگی، شبیه گوشی‌های همراه لمسی بود که بچه‌ها دستشان را روی آن قرار می‌دادند و بعد وارد کلاس می‌شدند.

۱ مهتاب پس از بیرون آمدن از خانه، نفس عمیقی کشید و از هوای دلنشین بهاری لذت برد.

یک کتاب داستان در کلاس بخوانید و مانند فعالیت صفحه ی قبل، رویدادهای آن را به ترتیب

بنویسید.

نام داستان: **ژوپیتر و میمون**

ژوپیتر همه ی حیوان های جنگل را جمع کرد تا به زیباترین بچه ی آنها جایزه دهد.

همه بچه های خود را تمیز کردند.

در روز انتخاب ژوپیتر به همه ی بچه ها با دقت نگاه کرد.

همه ی حیوانات تمیز و زیبا و مرتب بودند.

به میمون گفت: «تو که فکر نمی کنی تا بچه ت جایزه را ببرد؟»

مادر بچه میمون گفت: «از نظر من پسر من از همه زیباتر است.»

ژوپیتر پاسخ داد: «من نمی توانم زیباترین بچه را انتخاب کنم

چون همه ی مادرها فکر می کنند که فرزند آنها بهترین و زیباترین

است.»

به همه جایزه داد.



انشایی بنویسید که پنج بند داشته باشد. موضوع انشا «ایران، وطن من» است. ابتدا بند مقدمه را بنویسید. سپس برای موضوع کلی «ایران، وطن من» سه موضوع کوچکتر بنویسید تا موضوع هر یک از سه بند بعدی متن باشند. در پایان بند نتیجه‌گیری را بنویسید.

موضوع هر بند را بنویسید.

افتخار به وطنم ایران

بند دوم:

خاک ایران

بند سوم:

پرچم ایران

بند چهارم:

### ایران، وطن من

انسان از خاک و گل به وجود آمده است و روی زمین نفس می‌کشد و راه می‌رود و زندگی می‌کند. به آن خاک و گلی که از آن به وجود آمده‌ایم وطن انسان گفته می‌شود. ایران وطن من است.

ما به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنیم و هم‌چنین با اتکا به تاریخ کهنی که این سرزمین زیبا دارد سرمان را با غرور بالا می‌گیریم. دلم می‌خواهد ایرانم همیشه آزاد و سربلند باشد و مردمی که در آن زندگی می‌کنند همیشه شاد و خوشحال باشند.

خاک و وطن مانند رابطه‌ی فرزند و خانواده یکدیگر را جذب می‌کنند. وطن هر انسانی مایه‌ی افتخار و سربلندی اوست. من به خاطر همه چیزهای خوبی

که در ایران هست به کشورم افتخار می‌کنم. من ایران را دوست دارم و می‌خواهم همه تلاشم را بکنم تا باعث افتخار پدر و مادرم و مردم کشورم ایران باشم.

پرچم کشور ما سه رنگ دارد سبز، سفید و قرمز. رنگ سبز به عنوان نشان اسلام است. رنگ سفید نشان دهنده‌ی صلح و دوستی ایرانی‌ها و رنگ سرخ نشان دهنده خون شهدا و رشادت و دلاوری مردم ایران در دفاع از سرزمین عزیزمان دارد. ایران یک گربه‌ی خوابیده تو غرب آسیا نیست یک شیر بیدار است.

اینها همه لطف خداوند است که همیشه کشور ما آباد و سربلند است و تا ابد در برابر کشورهایمانند امریکا و اسرائیل پیروز و موفق خواهد بود. ما وظیفه داریم برای قدردانی از این نعمت‌های بزرگ تا آخرین قطره خون بکوشیم.

